

منوچهر آتشی



روز جهانی معلم

هر ساله پنجم اکتبر، روز جهانی معلم را گرامی می‌داریم اما هنوز در بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه ایران حقوق معلمان، این کارگران فرهنگی نقض می‌گردد. معلمان با حداقل امکانات آموزشی و دستمزد دست به گریبانند. در خاورمیانه و ایران، معلمان از داشتن تشکلهای مستقل محرومند. به‌معنایی آن‌ها مجاز نیستند نوآوری در وضعیت آموزشی به وجود بیاورند. عدم آزادی و کار زیاد معلمان، تاثیر مخربی در آموزش شاگردان دارد.

در تحسن اخیر سراسری معلمان و فرهنگیان ایران در روزهای 22 و 23 مهر 1397، شمار زیادی از معلمان در اعتراض به دستمزد زیر خط فقر، آموزش پولی و زندانی بودن همکاران‌شان، در کلاس‌های درس حاضر نشدند. هاشم خواستار معلم بازنشسته و عضو انجمن صنفی معلمان در مشهد، تاکنون بارها به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی و صنفی خود بازداشت و زندانی شده و اکنون نیز زندانی است.

محمد حبیبی، فعال تشکلهای معلمان، 4 آگوست به ده سال و نیم زندان محکوم شد. چرا که وی برای سازمان‌یابی معلمان فعالیت می‌کرد. سندیکای معلمان سوئد IÄRARE - FÖRBUNDET حمایت خود را از این معلم زندانی اعلام کرده است و در حال جمع‌آوری لیست امضاء در اعتراض به محکومت اوست.



در این باغ کوچک چرا
چرا صدای تیر قطع نمی‌شود چرا صدای افتادن؟
تا کی به سوگ سروها بنشینیم تا کی به سوگ صنوبرها
در این باغ کوچک مگر چند
سرو صنوبر هست
که دندان برنده تیر از شکستن‌شان سیر نمی‌شود؟
دیری نیست همین جا
سه سرو فرو غلتیده داشتیم
غزاله، مختاری، پوینده
چرا دوباره صدای تیر، پس چرا؟
پریروز گلشیری
دیروز رحمانی
امروز احمد شاملو یعنی هفتاد سال شعر مجسم
تا کی، پس تا کی
این سروهای زنده این بانوان فرخنده مریم، سیما، فرزانه، آیدا
در سوگ سروهای خفته سیاه بپوشند
و دل‌های صنوبریشان را
در اشک داغ به گرسنه ابدی، خاک بچشانند
بس نیست، نیست دیگر مگر چند سرو صنوبر؟
دندان تیر بشکنند
احشایت بپوسد خاک! خاک خاک بر سر
اما صدای تیر قطع نمی‌شود
در خواب و بیداری صدای تیر قطع نمی‌شود
و باغ کوچک ما می‌لرزد در خویش و می‌گرید در خویش

www.daneshamooz.se

آموزش حق پایه‌ای هر انسان است!

اهداف نشریه دانش آموز:

- * اشاعه فرهنگ مطالعه و پژوهش بین معلمان و دانش آموزان؛
- * تبادل اندیشه و نظریات علمی بین دانش آموزان؛
- * ایجاد بستری برای رشد و پویایی مسایل آموزشی و پرورشی؛
- * ارتقای سطح دانش، آگاهی و معلومات دانش آموزان؛
- * آموزش کتبی زبان مادری.

آدرس امیل تماس با نشریه:

daneshamooz2016@gmail.com

آموزش زبان مادری حق مسلم هر انسانی است!

21 فوریه، روز جهانی زبان مادری است. روز جهانی زبان مادری بیش از هر جای دیگری، متوجه کشورهای است که دارای تنوع زبانی گسترده‌ای هستند تنوعی که به گفته جنوا اسپیرتمن، امری طبیعی، میراثی انسانی و سرمایه‌ای اجتماعی است. اما در کشورهای همچون ایران، متأسفانه زبان‌های مادری همه مردم این کشور غیر از فارسی، یعنی زبان‌های ترکی آذری، کردی، عربی، بلوچی و غیره ممنوع است.

جنوا اسپیرتمن، زبان‌شناس و متخصص سیاست‌های زبانی در دوران پسانستعمار، در گفتگوی اختصاصی، ضمن شرح اهمیت آموزش و تحصیل به زبان مادری، از سیاست‌های زبانی که منجر به یکسان‌سازی زبانی می‌شوند، انتقاد می‌کند و می‌گوید: «اگر شما آموزش و ترویج یک زبان را قه‌قن و غیرقانونی کنید، در نهایت، آن زبان را حذف می‌کنید و با از بین بردن آن زبان، فرهنگ آن گروه زبانی را نیز نابود می‌کنید و در نهایت، خود آن مردم را حذف و از بین می‌برید. ممکن است که آن‌ها به صورت فیزیکی از بین نروند اما آن‌ها دیگر خودشان نیستند بلکه تبدیل به دیگرانی شده‌اند که به زبان و فرهنگ دیگری تعلق دارند. آن‌ها دیگر وجود خارجی ندارند.» این استاد دانشگاه می‌شکانت تاکید کرده است: «وضع قوانینی که سیاست‌گذاری‌های زبانی را اجباری می‌کند، گامی اساسی در جلوگیری از نابود کردن زبان‌ها است.» وی سیاست زبانی آفریقای جنوبی را مثال خوبی در این زمینه می‌داند، کشوری که در آن یازده زبان رسمی وضع شده است.

جنوا در جواب سوال: «بسیاری از زبان‌شناسان بر آموزش زبان مادری و تحصیل به آن زبان تاکید می‌کنند، چرا؟»، چنین جواب داده است: «این مساله که کودکان به زبان مادری خود آموزش ببینند، مساله بسیار مهمی است، به این دلیل که، این زبان، تنها زبانی است که کودکان به بهترین نحو آن را متوجه می‌شوند. پیشینه تحقیقات در سراسر جهان این مساله را اثبات می‌کند که موثرترین راه برای آموزش مفاهیم و مهارت‌ها به کودکان، استفاده از زبان مادری آن‌ها است. این آموخته‌ها، در تمام عمر با او خواهند بود.»

به نظر جنوا: «آموزش زبان مادری کاملاً طبیعی و ضروری است و در ارتباطات انسانی، بسیار مهم و مفید است. البته در کنار آن، انسان‌ها به زبان مشترکی هم نیاز دارند تا بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. با این‌که تنوع زبانی کاملاً یک مساله طبیعی است اما ما انسان‌ها، به زبان مشترکی نیاز داریم تا با کسانی که خارج از حیطه زبان مادری‌مان هستند، ارتباط برقرار کنیم. اما عواطف و احساسات و اندیشه‌ها و ارزش‌ها و مفاهیم این‌چنینی، می‌توانند به بهترین شکل، توسط زبان مادری هر فرد منتقل شوند و در برخی موارد، زبان مادری تنها ابزار موجود برای انتقال مفاهیم ذکر شده است...»



درباره اعدام

مجازات اعدام سنگین‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین مجازاتی است که در حوزه کیفر شناسی مطرح است که در سال‌های اخیر با انتقادات شدید از سوی برخی افراد در جهان قرار گرفته است.

در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل اقدام به بررسی اعدام و قوانین مربوطه آن را کرده است.

همچنین مارک آنسل مستشار دیوان کشور فرانسه و مدیر حقوق تطبیقی پاریس در سال ۱۹۶۲ گزارشی درباره مجازات اعدام منتشر کرد که در آن نتیجه گرفته که تمایل جامعه جهانی به سمت لغو مجازات اعدام و جایگزین کردن آن به وسیله زندان و اقدامات تربیتی و تامینی است که البته واژه جامعه جهانی تا چه حد شامل کشورهای اسلامی می‌شود معلوم نیست چون که حقوق اسلامی بر این مجازات تاکید دارد.

اما آنچه بر استحکام و بقای این مجازات در طول سالیان دراز و با وجود مخالفت‌های بسیار زیاد افزوده است، پشتوانه محکم آموزه‌های مذهبی به‌ویژه در کتب انجیل و تورات و قرآن درباره برخی جرایم بوده است.

اخلاق مذهبی که تاثیر از این آموزه‌ها است عاقبت مرگ را برای جرایم اخلاقی لازم دانسته است.

به‌طور کلی در اسلام مجازات اعدام برای هر جرایمی که در آن حقوق افراد ضایع شده باشد تاکید شده است که در کشورهای اسلامی هر کدام قوانین خواص خودشان را دارند به طور مثال در ایران به‌عنوان یک کشور اسلامی مجازات اعدام به سه دسته تقسیم می‌شود.



۱. قصاص، شامل جرایم قتل عمد است.

۲. حد، جرایم جنسی، زنا، لواط، جرایم علیه دین و امنیت اجتماعی است.

۳. تعزیر، مصلحت فرد جامعه، مفسد فی‌الارض، نهی از منکر.

اما امروزه چرا این مجازات با مخالفان زیادی روبه‌رو شده است به چند دلیل است:

۱. با احساس بشردوستی مغایرت می‌کند یعنی این‌که خشونت علیه خشونت است زیرا که اعدام می‌کنند و کشتن یک انسان به شدت مخالف بشر دوستی مردم متمدن امروزی است و حق حیات را از انسان گرفته می‌شود.

۲. غیر باز دارنده است، یعنی این‌که با وجود اعدام در برخی از جرایم این نوع جرم‌ها از جامعه حذف نشده و نخواهند شد!

۳. ایجاد حس انتقام در جامعه و فرد است.

مثلاً در جرمی مانند قتل که شاکی خصوصی نقش پررنگی در آن دارد که وجود شاکی خصوصی حس انتقام را ایجاد می‌کند. یعنی اگر عدالت در حق شاکی اجرا نشود و فرضا شخص مجرم به‌عنوان قاتل اعدام نشود شاکی خودسران‌ها دست به آسیب رساندن به فرد مجرم می‌کند.

۴. خطا پذیری محاکمات جنایی یعنی این‌که بسیاری از محکومان به مرگ بعدها بی‌گناه شناخته شده‌اند که قبل از ثابت کردن بی‌گناهی‌شان کشته شده‌اند و این اشتباهات جبران‌ناپذیر است.

نتیجه کلی این است که انسان‌ها برای زندگی کردن آفریده شده‌اند و ممکن است بر خی از آن‌ها تحت تاثیر شرایطی در زندگی دچار برخی از اشتباهات شوند که با توجه به ذات هراسان و داشتن وجدان که بعداً از ارتکاب اشتباه‌شان دچار حس گناه و عذاب و پشیمانی بشوند. که

به‌نظر من باید مورد عفو و بخشش قرار بگیرند و به آن‌ها فرصتی دوباره برای جبران اشتباه‌شان داد.

قسمت‌هایی از متن رمان در غرب

خبری نیست

در مرکز پادگان، به مدت ده هفته تعلیمات نظامی دیدیم. چه ده هفته‌ای که بیش از ده سال مدرسه رفتن بر ما اثر گذاشت. کم‌کم متوجه شدیم که یک دکمه‌ی براق نظامی، اهمیتش از چهار کتاب فلسفه شوپنهاور بیش‌تر است. اول حیرت کردیم، بعد خونمان به جوش آمد و بالاخره خونسرد و لاقید شدیم و فهمیدیم که دور، دور واکس پوتین است، نه تفکر و اندیشه، دور نظم و دیسپلین است، نه هوش و ابتکار و دور تمرین و مشق است، نه آزادی. ما با شور و شوق فراوان سرباز شده بودیم، اما آن‌ها نیشه را برداشتند و تا توانستند به ریشه این اشتیاق زدند. بعد از سه هفته برای ما روشن شد که اختیار و قدرت پستی‌چی‌ای که لباس براق‌دار گروهیانی به تن دارد، از اختیارات و قدرت پدر و مادر و معلم و همه عالم عریض و طویل تمدن و عقل، از دوره افلاطون گرفته تا عصر گوته، بیش‌تر است.

کروپ آدم پرمغزی است و عقیده دارد که اعلان جنگ باید مثل جشن‌های عمومی، بلیط ورودی و دسته موزیک داشته باشد، درست مثل مراسم گاوآزی، منتها به جای گاو، ژنرال‌ها و وزیران دو کشور با شلوار شنا و یکی یک چماق وسط صحنه بروند و به جان هم بیفتند تا کشور هر دسته‌ای که طرف دیگر را مغلوب کرد، فاتح اعلام شود. این خیلی آسان‌تر و صحیح‌تر از جنگ است که در آن مردم بی‌گناه و ساده‌دل را به جان هم بیندازند.

مادر به نرمی می‌گوید: «پسر عزیزم، ما هیچ‌وقت بچه‌ننه و عزیزدانه نبوده‌ایم. توی خانواده‌های بی‌چیز و زحمت‌کش که مدام به فکر بدبختی هستند، این چیزها رسم نیست. ما عادت نداریم از دردی شکایت کنیم که علاج ندارد. وقتی مادرم می‌گوید: «پسر عزیزم» به من خیلی بیش‌تر از پسر عزیزی اثر می‌کند که مادر دیگری به پسرش می‌گوید. من خیلی خوب می‌دانم که این شیشه مربای تمشک، تنها شیشه مربایی است که ماه‌های متمادی در این خانه نگه‌داری شده و آن هم فقط برای من.

اریش ماریا رمارک در کتاب در غرب خبری نیست با نگاهی خشک و واقع‌بینانه به کوچک‌ترین لحظات وحشت و بیدادگری، پلیدی و فرومایگی وحشی‌گری و رفت و ترس و بزرگ‌منشی، سرگذشت گروهی از سربازان جوان و سرگردان آلمانی را می‌نویسد که در پیچ و خم گرداب آخرین روزهای جنگ اول جهانی نومیادانه جنگیدند و رنج کشیدند. کتاب در غرب خبری نیست نه اتهام است، نه اعتراف و نه به‌هیچ وجه ماجرای قهرمانی، زیرا مرگ برای کسانی که با آن دست به گریبان‌اند، ماجرا به شمار نمی‌آید.

«در غرب خبری نیست» از کتاب‌هایی بود که در دوران آلمان نازی به‌اتهام «خیانت به سربازان» مضر تشخیص داده و طعمه کتاب‌سوزی شد. سوزاندن نسخه‌های این کتاب به ابتکار دانشجویان نازی در مه ۱۹۳۳، در میدان اپرای برلین صورت گرفت. هربرت گوتیار، رهبر انجمن دانشجویان آلمان، پیش از آغاز این مراسم اعلام کرد: «ما تصمیم داریم علیه روح ضد آلمانی در این کشور مبارزه کنیم. به این خاطر من اکنون کتاب‌های ضد آلمانی را به دست شعله‌های آتش می‌سپارم.»

اریش ماریا رمارک در سال ۱۹۳۱ به سوئیس مهاجرت کرده بود و در طول جنگ جهانی دوم در آمریکا زیست. وی در سال ۱۹۴۷ به تابعیت این کشور درآمد و تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۰ در همان‌جا ماند. حکومت نازی در سال ۱۹۳۸ تابعیت آلمانی را از وی گرفته بود.

هشتادمین سال انتشار رمان

«در غرب خبری نیست»

من تصادفاً رمان در غرب خبری نیست را در تعطیلات تابستان دیدم و از آن جایی که تیرت ۸۰ سال بعد از انتشار این کتاب را دیدم، به خواندن کتاب بیش‌تر راغب شدم. این کتاب برایم جذاب خاصی پیدا کرد. وقتی در کلاس تصمیم به خواندن یک رمان و معرفی آن شدیم من به این فکر افتادم که کمی به‌شرح این رمان بپردازم و خواندن رمان در «غرب خبری نیست» را به شاگردان و خیلی‌ها توصیه کنم. بعد از گذشت ۸۰ سال موضوع آن با بدبختی‌های امروز جهان صدق می‌کند. داستان شرح حال نوجوانانی است که از طرف جامعه و همچنین معلم کلاس شش‌نموی مغز و روان می‌شوند که به‌جنگ فرستاده شوند.

قهرمان داستان «پل» نام دارد که تحت تاثیر معلم روانه میدان جنگ می‌شود تا ادای وظیفه کند و در آن‌جا با هیولا مرگ و ترس روبه‌رو و خلا بی‌کسی روبه‌رو می‌شود. من فکر می‌کنم با این که هشتاد سال از نوشتن این رمان می‌گذرد انگار شرح حال نوجوانان امروز ماست. باید بگویم که من حدود دو سال و نیم است که در سوئد هستم. در ایران در مدرسه‌ای که می‌رفتم شاهد بودم که مدیر به‌نوعی اصرار داشت که ما شاگردانی که بضاعت مالی خوبی نداشتیم تا سر و وضع مناسبی هزینه کنیم را

مناسبی هزینه کنیم را

مجباب کند که ما

می‌توانیم قهرمان‌های خوبی شویم. اما اگر

به‌کمک هم‌نوعان جنگ زده برویم. او بچه‌ها را

با فراخواندن به اتاق خود ترغیب به رفتن به

سوریه می‌کرد. من

خواندن این رمان را که

در واقع شرح حال نوجوانان

امروز خاورمیانه است را با

اجازه معلم کلاس، به‌شما و دیگران توصیه می‌کنم. نویسنده این

رمان «اریش رماک» نام دارد. این کتاب در

زمان هیتلر ممنوع‌الچاپ بود و حتی

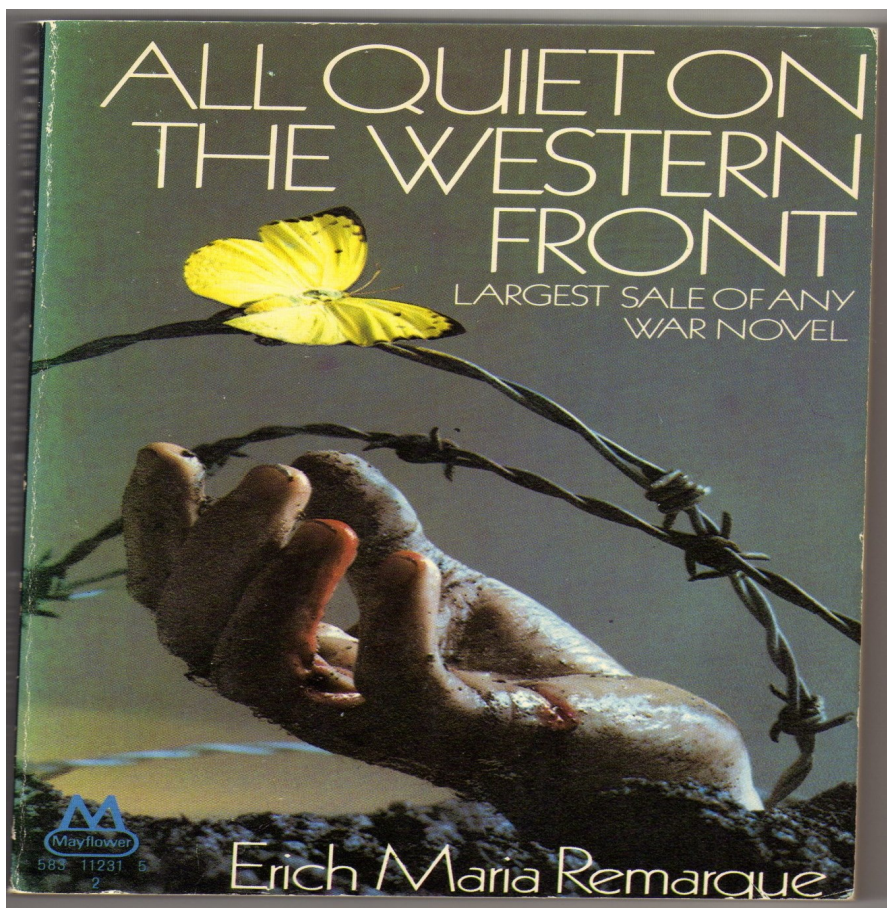
از کتاب‌فروشی‌ها جمع شده و سوزانده شد. این

رمان شرح حال پسری در جنگ جهانی اول

است.

تهیه و تنظیم از:

مراد رضایی، ۱۹ ساله



اعدام

آیا سازمان ملل متحد پس از 73

سال به اهداف خود رسیده است؟

شاید اولین چیزی که بعد از شنیدن کلمه اعدام به ذهن ما می‌رسد تصویر فردی است که بالای چوبه دار حلق آویز شده است؛ تصویر تکان‌دهنده‌ای که همه را آزار می‌دهد. معمولاً در مقابل چنین حادثه‌ای این سوال مطرح می‌شود که آیا با اعدام موافق هستید یا خیر. این سوال افراد را به دو گروه تقسیم می‌کند: گروهی که مخالف اعدام هستند و گروهی که موافق با آن. ولی من می‌خواهم در جواب این سوال جزء گروه سوم باشم. می‌خواهم نه با اعدام موافق باشم و نه مخالف. می‌خواهم این قضیه را از دیدگاه گروه سوم بررسی کنم. از نگاه قربانیان که عشقی را از دست داده‌اند و دیگر هیچ‌گاه به دست نمی‌آورند. بله اعدام کردن هیچ‌کس دوست ندارد و از آن خوشش نمی‌آید. ولی کسانی که به‌کلی اعدام کردن را رد می‌کنند به این فکر کرده‌اند که آن فرد چه‌کاری انجام داده که محکوم به اعدام شده است؟ آیا با خود اندیشیده‌اند که در پس این اعدام، چه جنایتی نهفته است؟ آیا برای یک لحظه می‌توانند احساس مادر و پدر ستایش (دختر هشت ساله‌ای که پس از تجاوز سوزانده شد) را درک کنند که فرشته خود را آن هم به‌بدترین شکل ممکن از دست داده‌اند؟ آیا نگران از دست رفتن ستایش و ستایش‌ها نمی‌شوند در حالی که نگران مرگ یک قاتل هستند؟

و کسانی که نگران مجرمان محکوم به اعدام می‌شوند و انجمن‌هایی مانند «نه به اعدام» تشکیل می‌دهند که جرم اعدام را از قانون بردارند شاید خوب است نیم‌نگاهی به هزاران کودک بی‌گناه در افغانستان، عراق، سوریه، یمن و ... که بدون هیچ دلیلی از بین می‌روند هم داشته باشند و مقداری از نگرانی‌های خود را خرج مبارزه با جنگ‌ها بکنند و انجمن «نه به جنگ» درست کنند.

من نمی‌خواهم بگویم که همه قاتل‌ها و جنایت‌کارها باید اعدام شوند، بلکه حرف من این است که بعضی از جنایت‌ها آنقدر فجیع است که نمی‌شود با هیچ حکمی جبران شوند. یا این‌که حداقل خانواده قربانیان این حق را داشته باشند که خودشان درباره مجازات تصمیم بگیرند. پایان کار چه‌قدر زیبا می‌شود وقتی پدر و مادر ستایش‌ها، از حق خود گذشته و قاتل فرشته خود را ببخشند.

علی داد حسینی، 18 ساله

سازمان ملل به مسئولیت خود عمل نمی‌کند به‌خاطر این که این سازمان به نفع کشورهای که از نظر اقتصادی و سیاسی بهتر است عمل می‌کند و هیچ‌وقت با این کشورها، حتی وارد مذاکره نمی‌شود، حتی آن‌ها مرتکب نقض حقوق بشر شوند. برای مثال، آمریکا سالانه هزاران سلاح و بمب شیمیایی و غیرشیمیایی به کشورهایمانند اسرائیل می‌دهد و این کشور این بمب‌ها را بر سر مردم فلسطین می‌ریزد.

محمد فرهاد، 17 ساله

نه! چون در بسیاری کشورهای هنوز هم نقض حقوق بشر و قتل‌عام مردم بی‌گناه وجود دارد. سازمان ملل متحد نمی‌تواند از سیاست‌های قدرت‌های جهان مصون بماند و این باعث عدم کارایی اصولی سازمان شده است.

مجتبی، 16 ساله

خیر

چون سازمان ملل متحد تحت نفوذ ابرقدرت‌های جهان است و سعی بر نگاه‌داری منافع آن کشورها را دارد.

و تنها سعی بر ظاهرسازی کردن مسئولانه در برابر بی‌عدالتی‌ها در دنیا است. و آنچه امروز در جهان پدیدار است جز جنگ و خونریزی در کشورهای ضعیف و فقیر نیست. و باز این سازمان، یعنی سازمان ملل متحد، نماد دروغین عدالت در جهان است!

رضا قنبری، 17 ساله

اعدام

اعدام توجیهی غیرانسانی برای برقراری عدالت در جوامع عقب‌مانده است. چرا که نه تنها عدالت را در جوامع به وجود نمی‌آورد، بلکه خود باعث بی‌عدالتی مطلق در یک جامعه می‌شود. به عبارت دیگر، منظور از بی‌عدالتی در چنین جامعه این است که هیچ‌گاه در دوره حاکمیت چهل ساله جمهوری اسلامی، هیچ‌یک از صاحبان قدرت به‌اعدام محکوم نشده‌اند و فقط و فقط کسانی که خود قربانی حکومت و سیستم غلط اجتماع بوده‌اند و هیچ قدرتی نداشته‌اند به این روش قربانی شده‌اند. چرا که هدف حکومت اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی نبوده است و فقط قصد جلوگیری از اعتراض عمومی مردم است.

اعتراض من به ذات خود قانون اعدام است. اعدام فقط گول زدن جامعه برای حل مشکلات اجتماعی یا سیاسی است و به همین خاطر بعد از گذر سال‌ها و اعدام ده‌ها هزار نفر هنوز مشکلات اجتماعی و سیاسی باقی‌ست و نه تنها بهتر نشده، بلکه صدها بار بدتر شده است. اعدام نه تنها حلال مشکل اجتماعی یا سیاسی نیست، بلکه خود افزاینده مشکلات مختلف در جامعه است. کودکی که چندین بار شاهد اعدام بوده است در بزرگ سالی خود می‌تواند صادر کننده اعدام‌های گروهی مردم شود.

از همه مهم‌تر این که اگر ما که افریده شده توسط یک آفریدگاریم (به گفته مذهب‌یون)، پس ما اجازه گرفتن با ارزش‌ترین چیز هر انسان که جان انسان است را نداریم. زمانی که با اعدام یک قاتل او را مجازات می‌کنیم خودمان قاتلیم. چون که ما هم جان یک انسان را گرفته‌ایم.

رنوف اخوان، 18 ساله

سازمان ملل به مسئولیت‌های خود نمی‌پردازد
خیر من فکر نمی‌کنم سازمان ملل توانسته به مسئولیت‌های خویش عمل کند.

در جهان کشورهای زیادی وجود دارند که از نظر اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند ولی سازمان ملل نتوانسته به‌درستی از آن کشورها حمایت مالی کند.

جدا از کشورهای فقیر، کشورهایی وجود دارند که مردم در آن‌ها امنیت جانی ندارند و سازمان ملل همچنان به آن‌ها بی‌توجه است.

در آخر من فکر می‌کنم اگر سازمان ملل به‌درستی به وظایف خود عمل می‌کرد این همه جنگ در دنیا نبود.

مریم مجرد اول، 16 ساله



شراره خانم

و عکس های سلفی

شراره خانم زن زیبایی است و این را خودش می‌داند. هر روز دست به کمر، رو به دوربین لبخند می‌زند و از خودش چند تایی عکس می‌گیرد. بعد بهترینش را انتخاب می‌کند و می‌گذارد اینستاگرامش. حالش که خوب باشد، به یک عکس قناعت نمی‌کند، هر چند ساعت یکبار، طرفدارانش را خوشحال می‌کند. او تمام تلاشش را می‌کند تا توی عکس‌ها زیباتر و لاغرتر به نظر بیاید. روزهای تاسوعا و عاشورا به قول خودش «روزهای عزیز»، حال و هوای عکس‌هایش فرق دارد. روسری سیاه می‌گذارد، به لب‌هایش رژ کمرنگی می‌زند، خودش را به هیاتی می‌رساند و ملاقه گنده‌ای می‌گیرد دستش، آشی هم می‌زند یا آبگوشتی، کمی چشم‌ها را تنگ می‌کند، کمی روسری را جلو می‌کشد که موهای بلونش کمتر پیدا باشد و بیننده به گناه نیفتد. آخر شراره خانم اهل مراعات است. مثل یک تقویم عمل می‌کند، طوری می‌نویسد «محرم» یا «عاشورا» یا «شب قدر» که انگار کسی نمی‌داند آن روز چه روزی است. شراره خانم همه چیز تمام است، صدای قشنگی هم دارد. او به فکر همه طرفدارانش هست. هر جا که باشد، گزارش می‌دهد. شراره خانم کدبانو است و از هر انگشتش هنر می‌چکد. گاهی از شیرینی‌های دستپخت خودش عکس می‌گیرد.

بعضی از خانم‌ها حسادت می‌کنند، زیر عکسش کامنت می‌گذارند: «این که شیرینی بی‌بی است.» شراره خانم با حوصله توضیح می‌دهد که خودش اینها را با دست‌های مبارک خودش پخته؛ مثل کوکوی ناهار یا لازانیای شام. از کادوهایی که در طول سال به هر بهانه‌ای از دوست و فامیل و آشنا می‌گیرد هم، عکس می‌گیرد، «دستبند طلا کادوی مادرشوهر مهربانم» و «گردنبند طلا کادوی جاری خویم». «در کل همه اقوام و آشنایان او، مثل خودش خوب و مهربان هستند و دست و دلباز. احتمالاً کمال همنشین در آنها اثر کرده و از آنها فرشته‌هایی ساخته دقیقاً مثل خود شراره خانم. شراره خانم، شعرهای خوبی بلد است، زیر بعضی از عکس‌هایش شعر می‌نویسد: «باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی» «کامنت‌های خوبی هم می‌گیرد: «عالی بود بانو»، «چه طبع لطیفی دارید شما بانوجان»، شراره خانم زن نکته‌بینی است، هیچ نکته‌ای از زیر دستش در نمی‌رود. اربعین هم عکس می‌گذارد و نوشته «اربعین». «عکس اش غمگین است، مهم نیست، دوستانتش نگرانش نمی‌شوند، می‌دانند فردا می‌رود آرایشگاه، آن شال قشنگه که آقای همسر برایش خریده، دست به کمر رو به دوربین لبخند می‌زند و عکس می‌گیرد و می‌گذارد اینستاگرامش. زیرش هم می‌نویسد یک روز خوب...

مروارید، 19 ساله

در نقد قدرت

تا حال به این مسئله فکر نکرده بودم که اگر قدرتمندترین فرد جهان بودم چه کارهایی را انجام می‌دادم.

اگر من قدرتمندترین فرد جهان بودم شاید خیلی از قوانین را تغییر می‌دادم. از خیلی از جنگ‌ها جلوگیری می‌کردم.

راستش بخواهید اگر من در این جایگاه بودم دست داشتم سیاستمدار باشم. یک سیاستمدار پر قدرت و خوش‌نام در آمریکا و یا حتی رییس جمهور آمریکا!

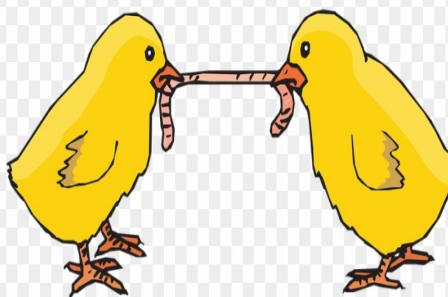
زیرا آمریکا پر قدرتمندترین کشور جهان است و هر کاری که خواسته تاکنون انجام داده است.

پس اگر یک سیاستمدار یا رییس جمهور آمریکا می‌شدم با استفاده از قدرت، پول و نفوذم از جنگ‌های خاورمیانه حتماً پیش‌گیری می‌کردم و کشورهای فقیر جهان را پوشش می‌دادم.

این دو کار اساسی‌ترین کارهایی است که انجام می‌دادم.

در آخر می‌توانم بگویم امیدوارم روزی چنین فردی پیدا شود و رویاهای مرا به‌حقیقت تبدیل کند و به رشد و توسعه انسانی خاورمیانه کمک کند.

مریم مجرد اول، 16 ساله



من اگر قدرتمندترین فرد جهان بودم به‌جنگ پایان می‌دادم، به فقر پایان می‌دادم؛ کاری می‌کردم که تمامی ثروت جهان بین همه به‌طور مساوی تقسیم شود.

اگر قدرتمندترین فرد جهان بودم تمام سلاح‌ها را نابود می‌کردم تا همه مردم جهان در صلح و آرامش زندگی کنند.

اگر قدرتمندترین فرد جهان بودم تمام مرزها را برمی‌داشتم تا همه بتوانند به هر جا که خواستند بروند، در عین حال باید حواسم باشد تا از قدرتم سوءاستفاده نکنم، به‌حرف مردم گوش می‌کردم و بهترین را برای آن‌ها انجام می‌دادم. بدون در نظر داشتن نژاد یا دین‌شان یا عقاید سیاسی و جنسیت‌شان.

مهدی مجرد اول 16 ساله



نگرانی از ازدواج تحمیلی

دانش آموزان در تعطیلات

تابستانی

بچه‌های زیادی بعد از تعطیلات تابستانی به‌مدارس در یوتبوری و نورشوپینگ باز نگشته‌اند. این شاگردان همگی از خانواده‌های خارجی بتار در سوئد هستند.

طبق گزارش خبرگزاری پ4 استان یوتبوری، 9 شاگرد مدرسه به‌سر کلاس‌های مدرسه حاضر نشده‌اند. هم‌زمان خبرگزاری رسمی غرب سوئد، تعداد این شاگردان را 30 نفر اعلام کرد.

هم‌چنین مدارس نورشوپینگ، اعلام کردند که 14 شاگرد خارجی‌تبار به‌مدرسه برنگشته‌اند. مالین گرن لیندل، متخصص آموزش و پرورش در لین شوپینگ می‌گوید: این گمان پیش می‌آید که این شاگردان توسط والدین‌شان در کشورهای خودشان به ازدواج‌های تحمیلی وادار شده‌اند. اما شاید دلایل دیگری نیز وجود داشته باشد.

منبع: روزنامه معلمان سوئد، شماره 12، 19 اکتبر 2018

ترجمه: ساناز محمودی، 19 ساله



در خواست آزادی محمد حبیبی معلم زندانی

دبیر کنگره اتحادیه‌های کارگری انگلیس در نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی ایران در لندن در مورد سلامتی معلم زندانی محمد حبیبی هشدار داد و خواهان آزادی بی‌قید شرط و فوری وی شد. در بخشی از این نامه که تاریخ ۲۴ اکتبر را دارد، آمده است: درخواست آزادی فوری و بی‌قید و شرط آقای محمد حبیبی، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان ایران را من از طرف کنگره اتحادیه کارگری (TUC)، که بیش از ۵ میلیون کارگر در انگلیس را نمایندگی می‌کند، می‌نویسم و رفتار غیرانسانی با محمدحبیبی فعال صنفی، معلم فنی و عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران را، محکوم می‌کنم. من از شما در خواست می‌کنم که از مقامات ایرانی بخواهید که محمد حبیبی را بلافاصله و بدون قید و شرط از زندان آزاد کند.

تهیه خبر از: ساناز محمودی، 19 ساله

Elevernas dröm om Demokrati

Frihetspartiet

Vi tycker att alla barn och ungdomar ska ha rätt till att få tycka vad de vill och de ska vara en viktig del av samhället. Barn har lika mycket rättigheter som skyldigheter. Alla barn som behöver stöd ska också få det.

Skola: skolan betyder mycket för att barn har rättigheter att gå till skolan och lära sig. Det finns många tjejer i världen som inte får gå till skolan. Vår parti tycker att barn får gå till skolan.

Miljö: Vår parti tycker att miljön är jätte viktig för att det finns många personer som inte tar hand om miljön då kommer det vara mer plast i sjön än fiskar om 60 år. Plasten förgiftar sjön. Vi vill lämna vår jord fin. Vårt parti tycker att vi ska hjälpa alla som flyr krig men alla som får bo i Sverige måste också följa svenska regler och lagar. Ingen ska behöva dö i krig, alla har rätt till liv.



Ungdomspartiet

Skola: Alla barn får gå i skolan och har rätt till utbildning. Alla i samma ålder ska lära sig lika mycket.

Vi vill att mycket pengar ges till skolan så att de kan åka på skolutflykter och köpa tillräckligt med material. Eleverna ska få sovmorgon, förkorta skoldagarna och ha flera kort raster så att de ska orka mer. Vill vill också att skolmaten förbättras genom att rösta mer på vad vi vill äta. Lärarna ska bry sig mer och hjälpa eleverna genom att ha flera rastvakter, flera lärare och kuratorer och sjuksköterskan ska vara i skolan ALLA dagar och inte bara vissa.

Miljön: Vi vill att fabriker ska producera mer elbilar och mindre vanliga bilar. De måste sänka priserna på elbilar så att alla har råd att vara miljövänliga. Vi måste sluta importera varor från andra länder. Barn och ungas rättigheter: Så som barnens samhälle är i Sverige är bra, barn påverkar tillräckligt i samhället som det är. Vi tycker att barn ska kunna och veta mer innan de röstar. Vi behöver mer organisationer som BRIS och Friends så att alla barn som blir utsatta får hjälp och stöd.

Vår Eget policy: Vi vill att alla människor är lika mycket värda och ge lika lön till både kvinnor och män. Vi vill anställa mer personal på sjukhus.

Flyktingfrågor: Ge alla flyktingar ett hem, utbildning och jobb. Om det är barn så måste de få en trygg familj och kunna gå i skolan.

80 år efter romanen På Västfronten intet Nytt

Erich Maria Remarque är en tysk författare som när han var 18 år trädde i tjänst hos fosterlandet, Tyskland, i första världskriget. Det var där som idén till hans stora genombrott På Västfronten intet Nytt föddes.

Han växte upp som son till en bokhandlare 1898. I kriget sårades han ofta och ibland även mycket svårt. Efter krigets slut kom han tillbaka till Tyskland där han provade på en mängd olika arbeten tills han startade sin karriär som författare.



Romanen beskriver första världskrigets fasor och vansinne utifrån en 19-årig soldats synvinkel.

"På västfronten intet nytt" är en fruktansvärt bra bok om hur det går för en grupp artonåriga tyska skolpojkar som kommer direkt från skolan ut i kriget.

De tyska skolpojarna drivs av sin lärare att ta värvning. Samma taktik användes där som överallt i alla länder: talet om plikten mot fosterlandet och hotet om att beskyllas för feighet. Via korta – men grymma – förberedelser på exercisplatsen är de sedan ute i kriget.

Krigets fasor förvandlar mycket snabbt perspektiven. Allt som förut var så viktigt bleknar bort. Endast mat, sömn, överlevnad och kamratskap betyder något. Det blir bokstavligen livsviktigt att hålla ihop den gamla gruppen, de som kände varann innan detta helvete och de som delat vägen dit. Att lämnas ensam kvar blir mera hotfullt än att kasta sig ut i närstrid eller det eviga ställningskriget, skyttegravskriget som fram för allt kännetecknade Första världskriget.

Vald av: Sandra 19 år

Har FN nått sitt mål?

Nej, enligt mig har FN inte kunnat uppnå till de mål de satt. Att avskaffa fattigdom, lösa klimatkrisen, minska ojämlikheter och orättvisor i världen och framförallt att främja fred och

att få gå i skola och få en utbildning. Men de vill inte eller snarare sagt kan inte. Den skapades i USA, den just nu mäktigaste kontinenten/landet i världen. Ett land vars förmögenheter kommer från landets monopol. Självt tror jag att FN är rädd. Rädd för att stå upp för ett mäktigt land såsom USA. Tänk på det själv. Yemen, Gaza,

Teatergrupp för ensamkommande

Sedan 2015 drivs en teatergrupp för ensamkommande ungdomar i Dramatens lokaler. Just nu arbetar gruppen med en tolkning av **Processer, fritt efter Franz Kafkas roman Processen**. I den får vi följa huvudpersonen och hans mardrömslika kamp mot ett byråkratiskt system när han en morgon blir häktad utan någon förklaring om vad han är anklagad för.

Hussein är en del av en teatergrupp för nyanlända ungdomar på Dramaten som leds av skådespelarna Hamadi Khemiri.

Hussein Mohammadi: Jag och andra ungdomar har problem på Migrationsverket, på ambassaden. Vi väntar, väntar och väntar.

Oron hänger över honom dagligen.

– Jag försöker gå till skolan varje dag. Men på lektionerna är mina tankar inte i klassrummet. Jag tänker på vad som kommer hända. Vad ska jag göra om jag får ett nej?

Advokater, ambassaden, Migrationsverket och sedan den eviga väntan.



rättvisa är de få mål av de 17 mål som FN tagit upp men inte kunnat uppnå till.

Varje dag surrar det om att FN kämpar mot fattigdomen men vart är resultatet?

Än idag finns det privilegierade länder och civilisation.

Än idag finns det U- och I-länder.

Än idag finns det stora delar av världen som utsätts för fattigdom. Miljontals människor går igenom hunger varje dag.

Än idag är det krig mellan länder.

Så vad gör FN då?

Allt det beror på politik.

FN är en av de största organisationerna i världen som har en stor makt över länderna. Den skapades 1945, för ca 73 år sedan. 73 år! Och enligt de globala målen de ska uppnå till dessa mål under 2030 dvs om 12 år. Min fråga är, om man inte kunnat uppnå dessa mål under 73 år, hur ska man kunna uppnå de under 12 år?

Om FN verkligen kan ändra på världen, kan de få stopp på kriget, och svälten. De kan om de vill få de här 6 miljoner barnen

Syrien och Palestina är några av de länderna där det än idag är krig. Vilka står bakom kriget och bombningarna?

De mäktigaste länderna dvs USA, bla israel. Om FN ska sätta stopp på detta kommer de att behöva sätta stopp för USA vilket kommer att resultera som en förlust för de själva.

Om en civil person som mig vet att USA ligger bakom kriget hur kan inte världens största organisation veta? Och om de nu har talan om att få fred i världen varför sätter de inte stopp för USA? FN har blivit en korrupktion! De riktiga ägarna av organisationen (FN) är de mäktiga och förmögna länderna.

Tror ni inte att USA har tillräckligt med förmögenhet för att ta bort fattigdomen i världen? Men istället lägger de förmögenheten på förstärkning av militären. Allt detta beror på politik.

Mahya Shahsafi, 17 år



Dramaten är det enda ställe där han kan släppa på sin oro.

– På teatern kan jag koppla av. Jag tar bort nästan allt i kroppen och går helt in i rollen.

Leds av kända skådisar

När jag är orolig har jag svårt att uttrycka känslan. Men på teatern kan göra det tillsammans med mina vänner.

Mehdi Rezaei, 18 år

60 000 000 barn går inte i skolan

28 SEP 2018

Palestinier inspekterar en FN-driven skola i Gaza som skadades i en israelisk attack den 15 september. Foto: Ibraheem Abu Mustafa/TT

Den 5 oktober firas Världslärardagen. Den är instiftad av UNESCO för att påminna om betydelsen av utbildade lärare och uppmärksamma deras villkor över världen. I år firar man dessutom att det är 70 år sedan som FN:s allmänna förklaring om de mänskliga rättigheterna antogs, där utbildning räknas som en grundläggande rättighet.

Men trots det saknar drygt 60 miljoner barn i världen tillgång till skolgång över huvud taget. Räknar man in möjligheten att gå i högstadiet och gymnasiet handlar det om totalt 264 miljoner barn och ungdomar.



Efter 73 år har världen och FN inte lyckats

Efter 73 år har världen och FN inte lyckats uppnå de 17 globala målen. Vi är på rätt väg, dock kan man absolut inte säga att det finns rent vatten och sanitet och ingen fattigdom i många U-länder, eller att det finns hållbara städer och infrastruktur i många I-länder som bekämpar klimatförändringarna. Det finns till exempel för få klimatsmarta tillgångar i de länder som har möjlighet till att skaffa dessa. Några klimatsmarta alternativ är till exempel fler cykelbanor och tillgångar till cykel som ett alternativ till bil, eller mer hållbar energi genom att bygga fler anläggningar för grön el (t.ex. solceller, vindkraftverk osv)

Artin Razavi, 18 år

FN har uppnått sina mål

Jag skulle inte anse att FN har uppnått sina mål, då man klart och tydligt ännu finner krig och fattigdom i många delar av världen. Detta kan dels vara på grund av en gömd grund av rasism inom organisationen, ett behov att bevara denna aktuella världsbild där västerländska länder är överlägsna och har en typ av kontroll i världen. Men de kan också bero på att dessa mål är otroligt svåruppnådda och orealistiska med tanken på människans naturliga egoistiska egenskaper och svårigheter av att försöka hålla reda på billjontals människor genom en organisation. Dessa mål FN har satt upp skulle jag anse endast existerar som en form av motivation, inte en helt verklig världsbild. En avslutande anledning är de som sitter på makten i FN befinner sig i en överklass bubbla. Hur mycket dom än försöker begripa och visa empati till de olyckligt lottade kommer de aldrig riktigt kunna förstå precis hur det är, dessutom är det få som ens försöker. Dom har en väldigt objektiv bild av världsproblemen, vilket gör det svårt att ha rätt inställning och passion för ämnet. Detta i sin tur gör att dessa ledare undermedvetet inte gör sitt bästa eller löser problem på fel sätt.

Tara, 17 år

Försvunna befaras ha gift bort

Många barn i bland annat Göteborg och Norrköping har inte återvänt till skolan efter sommarlovet.

Gemensamt för eleverna är att de eller deras föräldrar rötter i andra länder.

I Göteborg sagnades minst nio barn i samband med terminsstarten rapporterar P4 Göteborg, medan SVT nyheter väst uppger att 30barn försvunna.

Skolorna i Norrköping har anmält att 14elever saknas.

- det man kan tänka sig är att barnen kan ha blivit hem skickade på en uppfostringsresa för att giftas bort ,säger Malin Gren Lindell, sakkunnig på utbildnings kontoret ,till Norrköpings tidningar.

Även andra orsaker kan finnas till att elever saknas ,uppger hon.

*Från lärarnas tidningen nr 12,19 oktober 2018
